

ناکارآمدی طرح خاورمیانه بزرگ در خیزش بیداری اسلامی

ویرایش چهارم

تألیف

دکتر حسین میرعبداللہیان

www.ketab.ir

مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی

تهران - ۱۳۹۷

مقدمه چاپ سوم کتاب

چاپ سوم و ویرایش سوم کتاب «ناکارآمدی طرح خاورمیانه بزرگ در خیزش بیداری اسلامی» در مقایسه زمانی انجام می‌شود که عرصه روابط بین‌الملل با تحولاتی شگرف و در مواردی غیر قابل پیش‌بینی مواجه شده است؛ از جمله روی کار آمدن دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری به ظاهر متفلسف، دین‌جو، درون‌گرا و به شدت منفعت‌طلب آمریکا که در عرصه سیاست بین‌الملل از فتنه سوم در میان تجاری مبتنی بر بساز و بفروش پیروی می‌کند؛ روسیه پوتین که گام‌های توانا با اتمام نفس بیشتری را در مسیر اقتدار منطقه‌ای برداشته، مبارزه با داعش در سوریه و عراق که شتاب بیشتری به خود گرفته و در پی عملیات بزرگ ارتش سوریه و متحدین، حلب شهر استراتژیک، مرکز اقتصادی و تاریخی سوریه از چنگال تروریست‌ها آزاد شده است. تحولات غرب آسیا و شمال آفریقا در حوزه بیداری اسلامی همچنان جاری و ساری است. به موازات نقش‌آفرینی و رشد روزافزون جنبش‌های انقلابی و آزادی‌بخش مانند حزب‌الله لبنان، حماس و جهاد اسلامی فلسطین و انصار الشریعین، تغییر در نظام امنیتی جهانی و بروز تحول و جهش‌های پیاپی در ساختار تروریسم و تأکید بر امنیت بین‌المللی، کنشگران منطقه‌ای و جهانی را تحت تأثیر خود قرار داده است. روسیه در حال نوسازی و بهبود قدرت خود است و همکاری قابل‌قبولی با جمهوری اسلامی ایران در عرصه مبارزه با داعش در سوریه و کمک به حل سیاسی این بحران دارد. مسکو می‌کوشد با هدف احیای اقتدار خود مناطقی که بهترین منافع استراتژیک دارند را مورد توجه سیاست خارجی خود قرار دهد.

شعارهای دونالد ترامپ نشان می‌دهد که آمریکا تمایلی به مداخله فعال در منطقه غرب آسیا از جمله یمن، سوریه و عراق ندارد، اما برنامه‌های استراتژیک و بودجه نظامی آمریکا در سال ۲۰۱۷ تأیید می‌کند که این کشور در عین حال برنامه‌ای برای خروج از غرب آسیا

خاورمیانه و خلیج فارس) ندارد، به ویژه اینکه همچنان انرژی فسیلی (نفت و گاز) موضوع مورد علاقه واشنگتن در منطقه به شمار می‌رود.

در سایه تحولات پیچیده منطقه در بخشی از استراتژی ۲۰۱۷ آمریکا در مورد سوریه آمده است: "پیش‌بینی می‌شود سال ۲۰۱۷ برای سوریه بسیار وحشتناک‌تر از سال ۲۰۱۶ باشد. آزادی حلب پایان کار نیست. بشار اسد خواهان باز پس‌گیری شهر تدمر (پالمیرا) برای اثبات خرد و روسیه هم به دنبال پیشرفت سیاسی است. آمریکا دیگر نمی‌تواند خود را از آتش جنگ سوریه دور نگه دارد... بلکه باید بین ایران و روسیه در مورد سوریه اختلاف ایجاد کند... ایالات متحده باید با پذیرش تقویت احتمال تجزیه سوریه در نقاط مختلف این کشور مناطق امن برای اورگان آماده کند... آمریکا باید به طور غیر محسوس مواضع کلیدی و مهم را به دست مخالفان بشار اسد بسپارد." در بخشی از استراتژی ۲۰۱۷ آمریکا در مورد عراق آمده است: عراق در ۲۰۱۷، مهصل را در اختیار کامل خود خواهد گرفت، اما باید بتواند با مسائل قومی و جدایی‌طلبان بیعی، سنی و کردها کنار بیاید... حیدر العبادی، نخست‌وزیر عراق فعلاً با کلیدواژه «آینده جدید» به فکر ایجاد اتحاد ملی است... به احتمال زیاد سنی‌ها ناراضی در ۲۰۱۷ به اقداماتی علیه دولت دست خواهند زد»

هم زمان با این تحولات، چند متغیر دیگر در منطقه غرب آسیا قابل مشاهده است، از جمله: رقابت نظامی میان کشورهای صاحب سلاح منطقه با بازیگری کنشگران خارجی همراه بوده و کماکان از جنبه‌های مهم ساختار امنیتی منطقه به شمار می‌رود. عنصر «نظامی‌گری» و «خرید تسلیحاتی» رابطه‌ای نیز با تهدیدات تروریستی داعش در منطقه دارد. برخی داده‌ها حاکی از آن است که کشورهای عرب شورای همکاری خلیج فارس ۱۵۰ برابر بیشتر از گذشته (طی سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۴) تسلیحات نظامی سفارش داده‌اند.

در حوزه تحرکات تروریستی تأملی بر شرایط سوریه، عراق، لیبی، یمن، افغانستان و مصر نشان می‌دهد که تروریست‌ها بخش ثابت منازعات اخیر منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای هستند. در این میان رژیم صهیونیستی ضمن حمایت و همکاری مستقیم با برخی گروه‌های تروریستی در منطقه و از جمله سوریه تلاش می‌کند از شرایط سیال و بشدت امنیتی شده منطقه حداکثر سوءاستفاده را انجام دهد.